

اشاره

به لطف الهی تاکنون موفق شدیم، زندگی نامه و تلاوت های ماندگار حدود ده تن از قراء مصری را تقدیم دوستان کنیم. از شماره ی بعد نیز این رویه را البته با ارائه ی زندگی نامه و تلاوت های ماندگار قراء ایرانی ادامه خواهیم داد. اما قبل از آن مناسب دیدیم، در یک مرور کلی، گذری اجمالی بر تلاوت های قراء مصری در یک قرن گذشته و تأثیرات آن ها بر وضعیت قرائت های موجود داشته باشیم تا شاید از این رهگذر بتوانیم، راهی مناسب تر به سوی اعتلا و تعمیق هرچه بیشتر علم قرائت قرآن کریم در خانه، مدرسه و جامعه ایجاد کنیم. بی شک هم چون گذشته، رهنمودهای شما تلاش ما را دوچندان خواهد کرد. ان شاء الله



تلاوت های ماندگار

♦ یونس باقری - رضا نباتی

مجله علمی و فرهنگی
پژوهش های قرآنی

در آن زمان که در مصر حتی رادیویی برای ضبط و پخش سروده‌ها و ابتهالات وجود نداشت، تواسیح‌خوانان و مدآحان، اکثر شب‌ها با اجرای برنامه‌های متنوع و جذاب خویش، مردم علاقه‌مند را با اشعار دینی و مذهبی خود سرگرم می‌کردند. در این ایام بود که دامنه‌ی تواسیحات و ابتهالات، قرآن را نیز در بر گرفت و تا به آن‌جا پیش رفت که در صحنه‌ی قرائت قرآن فردی ظاهر شد و به قرائت پرداخت که شیوه‌ی قرائت او بر اذهان آشنا نمی‌نمود؛ شیوه‌ای که بسیار روح‌بخش و دلنشین بود.

این مرد کسی جز شیخ احمد نداء نبود. او دارای صوتی بسیار قوی و رسا بود؛ مردی که تمام زندگی خویش را وقف قرائت قرآن کرد. روزی یکی از دوستان وی به نام محمد بابلی که از نواع علم موسیقی و الحان آن زمان بود، از وی تقاضا کرد تا حظّ و بهره‌ی خویش را در رابطه با موسیقی بیازماید و او نپذیرفت. شاید اگر استاد این سخن را رد نمی‌کرد، بر سید محمد عثمان و سید عبده الحامولی، دو تن از علمای بزرگ زمان، سبقت می‌جست. اما استاد نداء که در مراتب بالای عشق به قرآن می‌زیست، در این راستا به تلاوت و قرائت آن پرداخت و هم‌چنان به قرائت ادامه داد. صوتی که محمد بابلی استاد علم موسیقی را نیز شیفته و مجنون می‌ساخت و گاهی اوقات در خلوت، به استماع صوت شیخ از صفحه‌ی گرامافون می‌پرداخت و در آن لحظات، هیچ غم و دردی احساس نمی‌کرد و جذبه‌ی قرائت دلنشین استاد، چنان او را احاطه می‌کرد که فریاد می‌زد: ای شیخ صوتت چه دل‌نشین است.

استاد احمد نداء زندگی بسیار پربار و اندیشمندانه‌ای را سپری کرد و به حقیقت همان کسی است که راه را برای کسانی که پس از او ظهور کردند، هموار ساخت. او تنها یک قاری قرآن نبود، بلکه هنرمندی بود که با تمامی هنردوستان و ادب‌دانان و عالمانی که عصر حاضر به وجود آنان مفتخر است، همراه و یاور بوده است. دکتر محبوب ثابت، نویسنده‌ی مشهور، عبدالعزیز البشیری و حافظ ابراهیم (شاعر نیل) نیز از کسانی بودند که در انتهای شب کنار یکدیگر گرد آمده و شیخ بر این دوستان که همه اهل علم و ادب بودند، آیات قرآن را تلاوت می‌کرد. شیخ احمد نداء سرانجام پس از عمری پربار که در قرائت قرآن و خدمت به این کلام الهی سپری کرد، چشم از جهان فرو بست.

تاریخ اسلام شاهد قاریان و حافظان بسیار بزرگی بوده است که به علت نبود رادیو و تلویزیون و نیز وسایل

ارتباط جمعی، شاید حتی نامی از آن‌ها باقی نمانده باشد. ما در این جا به ذکر نام و زندگی برخی از این استادان و قاریان که تنها اطلاعات مختصری از آن‌ها در دسترس است، اشاره می‌کنیم.

شیخ محمود الصیفی به حقیقت از بزرگ‌ترین علمای علم قرائت قرآن بود. او بیشتر زندگی خویش را صرف آموختن قرائت به روایت ورش و روایت حفص از عاصم کرد. وی موفق شد قواعد و فنون جدیدی را در فن تلاوت قرآن وارد سازد تا به آن‌جا که تمامی قاریان پس از او، در مسیر آموخته‌ها و ابتکارات او گام نهادند. در این میان، باید به دو تن از شاگردانش، شیخ مصطفی اسماعیل و شیخ محمود خلیل الحصری اشاره کرد. شیخ الصیفی در همان دوره‌ای زندگی می‌کرد که شیخ محمد رفعت و شیخ علی محمود می‌زیستند. از اماکنی که بارها در آن‌جا به تلاوت قرآن کریم پرداخت، مسجد الحسین علیه السلام بود؛ همان مسجد مقدسی که به واسطه‌ی رحلت شیخ علی محمود ساکت مانده بود.

استاد منصور بدار نیز از جمله استادان برجسته‌ی دیگری است که در علم قرائت قرآن خدمات ارزنده‌ای انجام داد. او تا زمان سقوط خلافت عثمانی زیست و پس از پایان جنگ جهانی اول به مصر بازگشت. به جز شیخ الصیفی، استاد دیگری به نام شیخ محمد قهاری ظهور کرده بود که صوت او نیز چون صوت شیخ منصور بدار زیبا و دلنشین بود؛ هرچند که زندگی سراسر رنج و مشقت او زمینه‌ساز رحلتش شد و اگر تجربه‌ها و ارشادات ارزنده‌ی او راهگشای استادان این فن قرار می‌گرفت، پیشرفت چشم‌گیری در این فن الهی حاصل می‌آمد.

استاد یوسف المنبلاوی و استاد شیخ حسن مناخلی، از بزرگان علم قرائت هستند که حیات قرائت قرآن را در فن موسیقی رقم زدند و تأثیری به سزا در موسیقی مصر به جای گذاشتند. آن‌ها از صوتی بسیار زیبا و روشی نیکو در ادا برخوردار بودند؛ صوتی که بارها قلوب را متأثر ساخته بود. استاد منصور الدمنه‌وری از قاریان قدس شریف (مسجد الاقصی) بود که عمدتاً در آن‌جا به تلاوت قرآن کریم می‌پرداخت.

در این جا باید اشاره‌ای داشته باشیم به استادی والامقام که تسلط فراوانش در علم قرائت سبب شده به عنوان یکی از استادان مسلم این فن مطرح شود. صوت و لحن دلنشین وی به هنگام تلاوت، شنوندگان بسیاری از او به جای

گذارده است و هنوز قرائت‌های او از رادیوی کشورهای گوناگون از جمله رادیو قرآن کشور خودمان، پخش می‌شود. استاد عبدالفتاح شعشایی، از جمله نوایغ این علم الهی است که به حق صوت زیبایی او یکی از شیرین‌ترین و دلنشین‌ترین اصوات زمانه است. از اماکنی که او همواره در آن‌جا به تلاوت قرآن می‌پرداخت، مسجد حضرت زینب سلام‌الله‌علیها در شهر قاهره بود. از میان فرزندان او باید به شیخ ابراهیم شعشایی اشاره کرد که او نیز صوتی بسیار رسا و زیبا چون پدر داشت. فرزند نیز پس از پدر در همان مسجد مقدس به تلاوت قرآن مجید می‌پرداخت.

پس از اینان اشاره می‌کنیم به استاد سعید نور سودانی. قرآن را به شیوه‌ای تلاوت می‌کرد؛ که سراسر حزن و بکاء بود. بدین ترتیب، وی در میان ساکنان روستاهای مصر، از شهرت عظیمی برخوردار شد و چنان مریدانی یافت که به هنگام تلاوتش، مسجد جامع خازن‌دار، از انبوهی جمعیت به تنگی می‌گرایید.

در این زمان، مردی گندمگون و کوتاه‌قد به نام شیخ علی محمود در این میدان مطرح شد؛ کسی که پس از شیخ احمد نداء، تنها فردی بود که توانست رسالت و طریقه‌ی شیخ را ادامه دهد. او در یکی از محله‌های تنگ عباسیه، در میان خانواده‌ای ثروتمند پا به عرصه‌ی وجود گذاشت و حادثه‌ای، خانواده را بر آن داشت تا او را به مکتب‌خانه بفرستند تا قرآن کریم را حفظ کند. پس از گذر مدتی، او موسیقی شرقی را آموخت و در آن تبحر یافت. از این رو به خواندن قصاید و ابتهالات دینی پرداخت و چنان الحان و نغماتی را در این قصاید به کار برد که عقل‌ها را از شنیدنش حیران می‌کرد و به آنان شادی و نشاطی وصف‌ناشدنی می‌بخشید. شاید بتوان گفت، بسیاری از قصاید دینی که امروزه در محافل و مجالس می‌شنویم، از نغمات زیبای او هستند. بیشتر آنان که به سرودن این قصاید پرداخته‌اند، بر همین اسلوب و فنون عمل کرده، در چارچوب مکتب او پرورش یافته‌اند.

آهنگ‌ها و نغماتی را که محمد عبدالوهاب، موسیقی‌دان بزرگ عرب ساخته، مبتنی بر نظرات و آرای شیخ علی محمود بوده است؛ چرا که تمامی این آهنگ‌ها و الحان پیش از آن‌که در رادیو به سمع مردم برسد، بر شیخ علی محمود عرضه شده‌اند.

شیخ علی محمود با وجود آن‌که مردی نابینا بود، در قرائت قرآن تا آن‌جا پیش رفت که به عنوان یکی از نوایغ زمان

مطرح شد. او از دوستان سید درویش بود و هرگاه که به سرودن قصیده «بدر تجلی فی الافق» می‌پرداخت سید از استماع صدای او به شدت می‌گریست. زمانی که از او خواسته شد پیرامون شخصیت شیخ محمود سخن بگوید، بی‌درنگ او را نابغه‌ای عظیم خواند و اظهار داشت که سرآمد تمامی ملحنین و نوازندگان است. اذان زیبای شیخ علی محمود، همواره نوازنده‌ی دل و جان مستمعین بود؛ صوتی که هیچ‌گاه به جهت آن، اجر و مزدی طلب نمی‌کرد. او از برترین و پیش‌کسوت‌ترین قاریان بود.

شیخ طه الفشنی، یکی از استادان برجسته‌ای بود که در فن تواشیح‌خوانی و سرودن قصاید شهرت چشم‌گیری یافت؛ کسی که عاشقان قرآن و حضرت رسول و خاندان مطهرش، بارها و بارها مدایح و تواشیحات زیبای او را استماع کرده‌اند. تواشیح حب‌الحسین علیه‌السلام از شاهکارهای اوست.

از دیگر شاگردان او شیخ زکریا احمد بود؛ مردی که در زمینه‌ی نغمات چنان پرورش یافت که بعدها در آستان وی بزرگ‌ترین علمای این فنون پا به عرصه‌ی عمل گذاردند. گرچه شیخ زکریا احمد در آغاز کار تنها یک قاری قرآن بود، آن‌گاه که صوت زیبای شیخ علی محمود را شنید، به مکتب او پیوست و به همراهی او به سرودن تواشیح و ابتهالات و قصاید دینی در مراسم و محافل پرداخت. این همه، تجلی مقام علی محمود بود که در آستانش چنین افرادی تربیت یافتند؛ همان کسی که عنوان داشت، صوت، شکل و ظاهر است و آن‌چه اصل است، لحن می‌باشد که در برگیرنده‌ی مفهوم و مضمون است. پس آن‌گاه که مضمون زیبا باشد، مستمع دیگر بدان صورت توجهی به شکل و ظاهر نخواهد داشت. شخصی که اهل فن باشد، در اثر آشنایی با مقام‌ها می‌تواند از صدای ناخوش چنان صوتی بیافریند که تمامی مستمعین را مدهوش و شیدا سازد. شیخ علی محمود می‌گوید: لحن زیبا همان لحن ساده و صادقی است که با سادگی خویش، مفاهیم عمیق و عظیم را با صداقت بر شنوندگان بیان کند.

از دیگر پرورش‌یافتگان مکتب شیخ علی محمود، محمد عبدالوهاب، آهنگساز و نوازنده‌ی معروف عرب است که در آغاز کار خویش، تمامی الحان و نغمات خود را بر علی محمود عرضه می‌کرد و تمامی آهنگ‌ها و ساخته‌های دست او را، پیش از آن‌که به استماع مردم برسد، شیخ علی محمود شنیده بود.





روزی شیخ علی محمود مطلع شد که جوانی، قرآن را تلاوت می کند و قصاید و ابتهالات را به روشی نوین که احدی پیش از آن چنین شیوه ای نداشته است، قرائت می کند و شهرت و آوازه ی او از محدوده ای که در آن متولد شده، تجاوز کرده است. شیوه ی این جوان که سید درویش نام داشت، مورد توجه شیخ علی محمود قرار گرفت. از این رو شاگرد و دوست و همراهش شیخ ذکریا احمد را به اسکندریه به نزد سید فرستاد؛ چه او دوست می داشت که این فن جدید را بشنود و حقیقت آن را نیز یاد بگیرد. شیخ ذکریا تیز به آن جا رفت، سید را یافت و سید چون دریافت که او فرستاده ی شیخ محمود است، بسیار شادمان شد و تا میانه ی روز، برای شیخ ذکریا احمد به تلاوت قرآن پرداخت. سپس همراه او به قاهره سفر کرد و در منزل شیخ محمود اقامت گزید. وی به مدت سه شب برای شیخ و یارانش قرآن خواند. به این طریق، این فن جدید نیز که به ذهن احدی خطور نکرده بود، بر آنان مکشوف شد و در مدت کمتر از یک هفته، تمامی آن فنون را به وی آموخت. از عادات شیخ علی محمود آن بود که همیشه اذان صبح را در مسجد امام حسین (ع) با صدای بلند سر می داد. در این لحظات، این میدان شاهد انبوهی از جمعیت می شد که از هر مکانی برای استماع صدای اذان شیخ به آن جا آمده بودند. اشتیاق تا بدان حد بود که رادیوی قاهره اقدام به ضبط این اذان می کرد و در ایام مبارک رمضان، علاوه بر این رادیو، رادیوی کویت نیز آن را پخش می کرد.

شیخ علی محمود علاوه بر تلاوت قرآن، بیشتر سعی در خواندن قصاید و ابتهالات دینی و تواسیح داشت. شیخ تنها یک بار مصر را به قصد شهر یافا در فلسطین اشغالی ترک کرد و مدت یک هفته در آن شهر اقامت گزید و آن جا نیز قصاید و ابتهالاتی بسیار زیبا خواند. پس از آن، بارها از او دعوت های مکرری انجام گرفت که هیچ کدام را نپذیرفت. در یکی از این دعوت ها که به شام رفته بود، احساس بیماری به وی دست داد و بلافاصله به مصر بازگشت. این بیماری زمینه ساز رحلت این استاد بزرگ شد.

بعد از وی، استادان بسیاری پا به عرصه ی این علم گذاشتند که شهرشان علاوه بر مصر، به اقصی نقاط جهان رسیده است. گرچه بسیاری از این بزرگان را دیگر حتی نامی در میان نیست و شاید تلاوت بسیاری از این عزیزان و حتی استادانی که نام برده ایم، دیگر در دسترس نباشد، اما اینان

در حقیقت استادان برجسته ای هستند که نقش مؤثری در اعتلا و ترویج علم قرائت قرآن داشتند. به راستی، اگر امروز صوت زیبای قرآن به سبک کنونی، گوش جانمان را می نوازد، همه مَرهون تلاش های چنین استادانی است و حضور آنان باعث ظهور استادان برجسته ای چون شیخ محمد رفعت، شیخ مصطفی اسماعیل، شیخ محمود علی البناء، شیخ محمد صدیق منشاوی و شیخ عبدالباسط شد.

پس به حقیقت باید آنان را ستود؛ کسانی که تلاوت های روح بخش و محزونشان دیگر در دسترس نیست، ولی بی شک تأثیر تلاش هایشان در گسترش این هنر اصیل مقدس و اسلامی، مشهود است.